

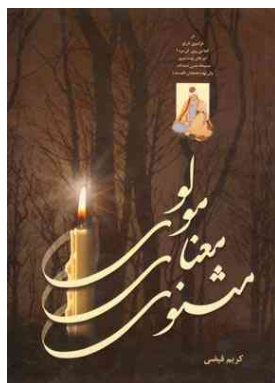


ایران در دوران معاصر

آشنایی با مولوی (مولانا) عارف بزرگ ایران

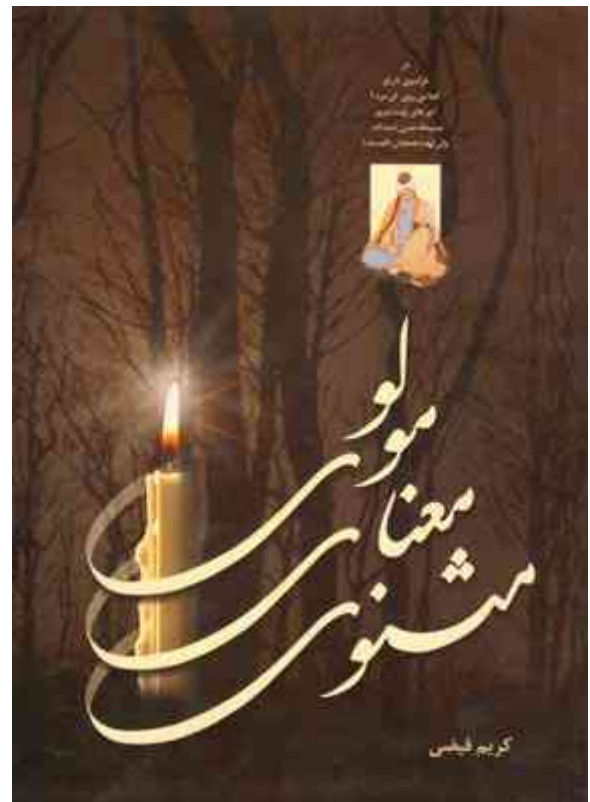
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۳۱ فروردین ۱۳۹۱ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

(جلال‌الدین محمد ابن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی معروف به جلال‌الدین رومی، جلال‌الدین بلخی، رومی، مولانا و مولوی) یکی از (مشهورترین شاعران فارسی) زبان ایرانی به شمار می‌آید. (نام او محمد) و لقبش در دوران حیات خود «جلال‌الدین» و گاهی «خداوندگار» بوده و لقب «مولوی» در قرن‌های بعد (ظاهراً از قرن نهم) برای وی به کار رفته و از برخی از اشعارش تخلص او را «خاموش» دانسته‌اند. (آرامگاه مولوی) در (قونیه ترکیه) می‌باشد. دیدار با (شمس مولانا) در آستانهٔ چهل سالگی مردی به تمام معنی و عارف و دانشمند دوران خود ب



(جلال‌الدین محمد ابن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی معروف به جلال‌الدین رومی، جلال‌الدین بلخی، رومی، مولانا و مولوی) یکی از (مشهورترین شاعران فارسی) زبان ایرانی به شمار می‌آید. (نام او محمد) و لقبش در دوران حیات خود «جلال‌الدین» و گاهی «خداوندگار» بوده و لقب «مولوی» در قرن‌های بعد (ظاهراً از قرن نهم) برای وی به کار رفته و از برخی از اشعارش تخلص او را «خاموش» دانسته‌اند. (آرامگاه مولوی) در (قونیه ترکیه) می‌باشد.

دیدار با (شمس مولانا) در آستانهٔ چهل سالگی مردی به تمام معنی و عارف و دانشمند دوران خود بود و مریدان و عامه مردم از وجود او بهره‌ها می‌بردند تا اینکه قلندری گمنام و ژنده پوش به نام (شمس‌الدین محمد بن ملک داد تبریزی) روز شنبه ۲۶ جمادی‌الآخر سال ۶۴۲ هجری قمری به قونیه آمد

دیدار با شمس‌مولانا در آستانهٔ چهل سالگی مردی به تمام معنی و عارف و دانشمند دوران خود بود و مریدان و عامه مردم از وجود او بهره‌ها می‌بردند تا اینکه قلندری گمنام و ژنده پوش به نام شمس‌الدین محمد بن ملک داد تبریزی روز شنبه ۲۶ جمادی‌الآخر سال ۶۴۲ هجری قمری به قونیه آمد و با مولانا برخورد کرد و آفتاب دیدارش قلب و روح مولانا را بگذاخت و شیداییش کرد. (در این ملاقات کوتاه وی دوره پرشوری را آغاز کرد. در این دوره که سی سال از حیات مولانا را شامل می‌شود، مولانا آثاری برجای گذاشته‌است که جزو عالی‌ترین نتایج اندیشه بشری است.) و این سجاده نشین با وقار و مفتی بزرگوار را سرگشته کوی و برزن کرد تا بدانجا که خود، حال خود را چنین وصف می‌کند:

زاهد بودم ترانه گویم کردی / سر حلقه ی بزم و باده جویم کردی سجاده نشین با وقاری بودم / بازیچه ی کودکان
کویم کردی

مثنوی معنوی

مولانا کتاب معروفش مثنوی معنوی را با بیت معروف «بشنو از نی چون حکایت می‌کند/از جدایی‌ها شکایت می‌کند» آغاز می‌کند. در مقدمهٔ کاملاً عربی مثنوی معنوی نیز که به انشای خود مولانا است، این کتاب به تأکید «اصول دین» نامیده می‌شود

مثنوی حاصل پربارترین دوران عمر مولاناست. چون بیش از پنجاه سال داشت که نظم مثنوی را آغاز کرد. اهمیت مثنوی از آن رو نیست که یکی از آثار قدیم ادبیات فارسی ایران است بلکه از آن جهت است که برای بشر سرگشته امروز پیام‌رهایی و وارستگی دارد. مثنوی فقط عرفان نظری نیست بلکه کتابی است جامع عرفان نظری و عملی. او خود گفته‌است: «مثنوی را جهت آن نگفتم که آن را حمایل کنند، بل تا زیر پا نهند و بالای آسمان روند که مثنوی معراج حقایق است نه آنکه نردبان را بر دوش بگیرند و شهر به شهر بگردند.» بنابراین، عرفان مولانا صرفاً عرفان تفسیر نیست بلکه عرفان تغییر است. آثار دیگر مولانا: فیه مافیه ، دیوان شمس ، رباعیات

مولانا در مثنوی معنوی به سخن گفتن به پارسی سفارش کرده‌است: پارسی گو گرچه تازی خوشتر است / عشق را خود صد زبان دیگر است

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آشنایی با مولوی (مولانا) عارف بزرگ ایران»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1021/pdf/آشنایی-با-مولوی-عارف-بزرگ-ایران.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰